

شماره G-757

تاریخ ۹ - ۱۲ / ۱۳۸۰

پیوست ۲۵ برگ



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

بیشمال

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

<input checked="" type="checkbox"/>	شماره ثبت : ۸۰ / ۱۱ / ۶۲۰ صبح
<input type="checkbox"/>	تاریخ ثبت : ۸۰ / ۲ / ۱۰ عصر
	اقدام کننده :

لا یحجه شماره

شورای محترم نگهبان

لا یحجه شماره ۲۱۴۴۱/۵۵۱۳۸ مورخ ۱۳۷۹/۵/۱۶ دولت در خصوص موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات بردرآمد که در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ ۱۳۸۰/۲/۳ مجلس شورای اسلامی عیناً به تصویب رسیده است، در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می شود.

مهدی کردبی
رئیس مجلس شورای اسلامی

شماره ۷۵۷ - ۵

تاریخ ۹ - ۱۱ / ۱۳۸۰

پیوست

بسم الله

ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۸۰/۱۱/۳۲۰ صبح

تاریخ ثبت: ۸۰/۲/۱۶ عصر

اقدام کننده:

ش. ک. ق. ا. ز.

**لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت
جمهوری اسلامی پاکستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات
مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات بر درآمد**

ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیات بر درآمد مشتمل بر بیست و هشت ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری
اسلامی پاکستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و
تبادل اطلاعات در مورد مالیات بر درآمد**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی پاکستان با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیاتهای بر درآمد به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه:

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا هر دوی آنها باشند.

مالیات

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه:

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بر درآمدی است که صرفنظر از نحوه وضع آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا مقامهای محلی آنها وضع می‌گردد.

۲- مالیات بر درآمد عبارتست از کلیه مالیاتهای متعلقه به کل درآمد، یا اجزای درآمد از جمله مالیات عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ پرداختی مؤسسات تجاری بابت دستمزد یا حقوق، و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای فعلی مشمول این موافقتنامه بخصوص عبارتند از:

الف - در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد

ب - در مورد جمهوری اسلامی پاکستان:

- مالیات بر درآمد

- مالیات اضافه و

- مالیات فوق العاده (سورشارژ)

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهای یکسان یا اساساً مشابه طبقه‌بندی شده مطابق با تعریف بند (۱) این ماده که علاوه بر مالیاتهای موجود یا به جای آنها، بعد از امضای این موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود. مقامهای ذیصلاح دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی، از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، یکدیگر را مطلع خواهند نمود.

ماده ۳ - تعاریف کلی:

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء

نماید:

بیمت

الف - اصطلاح "یک دولت متعاقد" و "دولت متعاقد دیگر" بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا جمهوری اسلامی پاکستان اطلاق می شود.

ب - اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" به قلمرو تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می گردد.

پ - اصطلاح "جمهوری اسلامی پاکستان" به مفهوم جغرافیایی اطلاق می شود به پاکستان به نحوی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان معین گردیده است و شامل هر ناحیه ای در خارج از آبهای سرزمینی پاکستان که به موجب قوانین پاکستان و حقوق بین الملل به عنوان ناحیه ای است که پاکستان حقوق حاکمیت و صلاحیت انحصاری خود را نسبت به منابع طبیعی بستر دریا، زیر خاک و روی آبهای فوقانی آن اعمال می نماید می باشد.

ت - اصطلاح "مالیات" به کلیه مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه اطلاق می شود.

ث - اصطلاح "شخص" شامل شخص حقیقی، شرکت یا سایر انواع اشخاص می باشد.

ج - اصطلاح "شرکت" اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می گردد.

چ - اصطلاح "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می باشد.

ح - اصطلاحات "مؤسسات تجاری یک دولت متعاقد" و "مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر" به ترتیب اطلاق می شود به مؤسسه تجاری که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می شود.

خ - اصطلاح "حمل و نقل بین المللی" اطلاق می شود به هرگونه حمل توسط کشتی، قایق، وسایط نقلیه هوایی یا جاده ای و راه آهن که توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق، وسایط نقلیه هوایی، جاده ای و راه آهن

بمقام

صرفاً بین مکانهای واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

د - اصطلاح "مقام صلاحیتدار" اطلاق می شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او.

- در مورد جمهوری اسلامی پاکستان به هیأت مرکزی درآمدها یا نماینده مجاز او.

ذ - اصطلاح "تبعه" اطلاق می شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران هر شخص حقیقی که دارای تابعیت ایران باشد و

در مورد جمهوری اسلامی پاکستان هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یا شهروندی

پاکستان باشد.

- هر شخص حقوقی، که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک

دولت متعاهد کسب نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاهد، هر اصطلاحی که تعریف

نشده باشد، بجز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد

داشت که طبق قوانین آن دولت متعاهد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

ماده ۴ - مقیم :

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقیم یک دولت متعاهد" اطلاق می شود به

هر شخصی که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا

سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد. لیکن این اصطلاح شامل هر شخصی که

فقط بابت درآمد حاصل از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات در آن دولت است

نمی گردد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد

باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دائمی در اختیار داشته

تعلیقات

باشد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز حیاتی دارد تعیین کرد، یا اگر در هیچ یک از دو دولت سکونت دائمی اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت - هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت متعاهد را نداشته باشد مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد موضوع را با توافق دو جانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که، حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، او مقیم دولتی خواهد شد که دفتر ثبت شده اش در آن واقع است.

ماده ۵ - مقر دایم:

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقر دایم" اطلاق می شود به محل ثابت شغلی که از طریق آن، مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد کلاً یا جزئاً در دولت متعاهد دیگر فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح "مقر دایم" بخصوص شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره؛

ب - شعبه؛

پ - دفتر؛

ت - کارخانه؛

ث - فروشگاه؛

ج - کارگاه؛

تعالیه

- چ - مزرعه یا هر نوع کشتزار؛ و
- ح - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره‌برداری، استخراج از منابع طبیعی.
- ۳- کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، نصب یا سوار نمودن یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن "مقر دایم" محسوب می‌شوند لیکن فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از (۱۲) ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.
- ۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح "مقر دایم" شامل موارد زیر تلقی نخواهند شد:
- الف - استفاده از تأسیسات، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش یا تحویل اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه تجاری.
- ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه تجاری صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش یا تحویل.
- پ - نگهداری موجودی اجناس یا کالای متعلق به مؤسسه تجاری صرفاً به منظور آماده‌سازی آنها توسط مؤسسه تجاری دیگر.
- ت - فروش کالاها یا اجناس متعلق به مؤسسه تجاری که در چارچوب بازار مکاره یا نمایشگاه موقت به نمایش گذارده می‌شود مشروط بر اینکه کالاها یا اجناس حداکثر بعد از (۲) ماه از خاتمه بازار مکاره یا نمایشگاه مزبور به فروش برسند.
- ث - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا جمع‌آوری اطلاعات برای آن مؤسسه تجاری.
- ج - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور انجام تبلیغات، گردآوری اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.
- چ - نگهداری محل ثابت شغلی صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزءهای (الف) تا (ج)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب،

تعلی

دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (به‌غیر از نماینده دارای وضعیت مستقل، که مشمل بند (۶) می‌باشد) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه تجاری فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به‌نام آن مؤسسه باشد و آن را به‌طور معمول اعمال نماید، آن مؤسسه تجاری در مورد فعالیت‌هایی که آن شخص برایش انجام می‌دهد دارای مقرر دایم در آن دولت تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که به‌موجب مقررات بند مذکور چنانچه از طریق محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به مقرر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد صرفاً به‌سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العمل‌کار، دلال یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می‌پردازد، دارای مقرر دایم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد.

مع‌ذالک، هرگاه فعالیت‌های چنین نماینده‌ای به‌طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این نماینده و آن مؤسسه تجاری در شرایط استقلال انجام نگیرد، او به‌عنوان نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می‌کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل شود (خواه از طریق مقرر دایم و خواه به نحو دیگر) فی‌نفسه کافی نخواهد بود که یکی از آنها مقرر دایم دیگری تلقی شود.

ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیر منقول:

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری)، می‌تواند مشمول مالیات

بیمه

آن دولت دیگر شود.

۲- اصطلاح "اموال غیر منقول" به موجب قوانین دولت متعاهدی که مال مورد بحث در آن قرار دارد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و وسایل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات حقوق عمومی راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، معادن سنگ و سایر مکانهای استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتیها، قایقها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه‌آهن به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، استیجاری یا هر شکل دیگر بهره‌برداری از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول مؤسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷ - منافع تجاری:

۱- منافع ناشی از فعالیتهای تجاری حاصله توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه تجاری در دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه مؤسسه تجاری به طوری که در بالا ذکر شد فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن مؤسسه تجاری می‌تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود لیکن فقط آن قسمتی از آن که مرتبط با مقر دایم مذکور باشد.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه تجاری یک دولت

بسم الله

متعاقد در دولت متعاقد دیگر از طریق مقرر دائم واقع در آن فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاقد، آن منافع جهت مقرر دائم منظور می‌گردد که اگر این مقرر، مؤسسه متمایز و مجزا بود و همان فعالیتها یا مشابه آن را در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می‌داد و به طور کاملاً مستقلی با مؤسسه تجاری که مقرر دائم آن می‌باشد معامله می‌کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳- در تعیین منافع مقرر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرایی و هزینه‌های عمومی اداری (که چنانچه این مقرر دائمی مؤسسه مستقل می‌بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه‌ها خواه در دولتی که مقرر دائم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقرر دائم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴- در حالتی که در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین منافع قابل تخصیص به مقرر دائم براساس تسهیم کل منافع آن مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کاربردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. مع ذلک نتیجه روش تسهیمی متخذه می‌باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرفاً به سبب خرید اجناس یا کالاها توسط مقرر دائم برای مؤسسه تجاری، هیچ منافع برای آن مقرر دائم تخصیص نخواهد یافت.

۶- منافع تخصیصی به مقرر دائم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که منافع شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تأثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

ماده ۸ - حمل و نقل بین‌المللی:

منافع حاصله توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی‌ها،

بیتعالی

قایق‌ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه‌آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹ - مؤسسات شریک:

۱- در صورتی که:

الف - مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشد.

یا

ب - اشخاص واحدی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد و مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشند،

و در هر یک از دو مورد، شرایط مقرر یا وضع شده در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه تجاری، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات تجاری مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه منفعتی که می‌باید عاید یکی از این مؤسسات تجاری شده باشد، ولی به‌علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزو منافع آن مؤسسه تجاری منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد منفعتی از مؤسسه تجاری آن دولت را محاسبه و متناسب با آن مشمول مالیات نماید که مؤسسه تجاری دولت متعاقد دیگر مشمول پرداخت مالیات در آن دولت متعاقد دیگر شده است و منفعتی که بدین ترتیب محسوب شده‌اند منفعتی هستند که چنانچه شرایط بین این دو مؤسسه، مانند شرایط میان دو مؤسسه مستقل بود عاید مؤسسه دولت مقدم‌الذکر می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع، تعدیل مناسبی به‌عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی می‌باید سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شوند و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۷۵۷ - ۵

تاریخ ۱۳۸۰ / ۱ / ۴

پیوست

بسم الله

لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

ماده ۱۰ - سود سهام :

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است به مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع ذلک این سود سهام می تواند در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن در صورتی که مالک منافع سود سهام مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح "سود سهام" به نحوی که در این ماده به کار می رود اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسان یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع) و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد، مقیم آن می باشد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دایم واقع در آن، به فعالیت شخصی بپردازد یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با این مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۴) حسب مورد، جاری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد می باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر حاصل نماید، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن

تعلیه

دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود به طور مؤثر مرتبط با مقر دایم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات بر منافع تقسیم نشده شرکت نخواهد نمود حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل از آن دولت دیگر تشکیل شوند.

ماده ۱۱ - هزینه های مالی:

۱- هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاهد و پرداخت شده به مقیم دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع ذلک، این هزینه های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل می شود، و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده مالک منافع هزینه های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح "هزینه های مالی" به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دیون، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بدهکار برخوردار باشند یا نباشند، و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه از جمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به این گونه اوراق بهادار، اوراق قرضه و سهام قرضه اطلاق می شود، جرایم متعلقه برای تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علی رغم مقررات بند (۲)، هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاهد و مکتسبه توسط دولت، وزارتخانه ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاهد دیگر می باشند، از مالیات دولت مقدم الذکر معاف خواهند بود.

تعلات

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقرر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دیونی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مقرر یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد شد. در این مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۴)، حسب مورد جاری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی زمانی حاصل در دولت متعاقد تلقی خواهد شد که پرداخت‌کننده خود آن دولت، مقام محلی، یا مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که، شخص پرداخت‌کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، و این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت هزینه‌های مالی مذکور حاصل در دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که این مقرر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت‌کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی ای که در ارتباط با این مطالبات دیون پرداخت می‌شود بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت‌کننده و مالک منافع توافق می‌شد، مقررات این ماده فقط به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲ - حق الامتیازها:

۱- حق الامتیازهای حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

تعلیقات

۲- مع ذلک، این حق الامتیازها می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود و مطابق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح "حق الامتیاز" به نحوی که در این ماده به کار می رود اطلاق می شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان مابه ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی یا فیلمها یا نوارهای مورد استفاده برای پخش از رادیو و تلویزیون، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرایند سری، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیازها، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگری که حق الامتیاز حاصل می شود از طریق مقرر دایم واقع در آن، فعالیت شغلی داشته باشد، یا در دولت متعاهد دیگر از طریق پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود به طور مؤثری با این مقرر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد جاری خواهد بود.

۵- حق الامتیاز زمانی حاصل در یک دولت متعاهد تلقی خواهد شد، که پرداخت کننده خود آن دولت، مقام محلی یا مقیم آن دولت باشد. مع ذلک در صورتی که، شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، (خواه مقیم یک دولت متعاهد باشد یا نباشد) در یک دولت متعاهد دارای مقرر دایم یا پایگاه ثابتی باشد که حق یا اموال موجد حق الامتیاز به طور مؤثری مرتبط با آن است و این حق الامتیازها بر عهده این مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این مورد این حق الامتیازها حاصل در دولت متعاهدی تلقی خواهند شد که این مقرر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع می باشد.

بیمه

۶- در صورتی که، به سبب یک رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با شخصی دیگر، مبلغ حق امتیازی که بابت استفاده، حق یا اطلاعات پرداخت شده، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیرالذکر جاری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی ها بر طبق قوانین هر دولت متعاقد و بارعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه ای:

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶) و واقع در دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی مقرر دایمی را که مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که مقیم یک دولت متعاقد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دایم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه تجاری یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتی ها، قایق ها، وسایط نقلیه هوایی، جاده ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها، قایق ها، وسایط نقلیه هوایی یا جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاقدی خواهند بود که "دفتر ثبت شده" آن مؤسسه در آن واقع است.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق

تعلات

شراکتی در شرکتی که دارایی آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در آن دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱) الی (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل:

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه این شخص به منظور ارائه فعالیت‌های خود به طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد. چنانچه چنین پایگاه ثابتی در اختیار داشته باشد، این درآمد می تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود ولی فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت می باشد.
۲- اصطلاح "خدمات حرفه‌ای" بخصوص شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابداران می باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیر مستقل:

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود. چنانچه استخدام بدین ترتیب انجام شود، حق الزحمه حاصل از آن می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.
۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت مقدم‌الذکر

تعیین

خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف - جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سربرده است از (۱۸۳) روز، در هر مدت دوازده ماهه که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می یابد تجاوز نکند و

ب - حق الزحمه توسط، یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود و

پ - حق الزحمه بر عهده مقرر دایم یا پایگاه ثابتی که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد، نباشد.

۳- علی رغم مقررات قبلی این ماده، حق الزحمه حاصل مرتبط با استخدام در کشتی، قایق، وسایط نقلیه هوایی یا جاده‌ای و راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی باشد که "دفتر ثبت شده" آن مؤسسه تجاری در آن واقع است.

ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران:

حق الزحمه مدیران و سایر پرداختهای مشابه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد در سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره شرکتی که مقیم دولت متعاقد دیگر می باشد، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران:

۱- علی رغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند، نمایش، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی انجام شده خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می نماید می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

تعلیه

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود عاید شخص دیگری غیر از خود آن هنرمند یا ورزشکار شود، علی‌رغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵)، آن درآمد می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گیرد، شود.

۳- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، درآمد حاصل توسط هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای ارائه شده در دولت متعاهد دیگر، در حدود موافقتنامه فرهنگی منعقدشده بین دو دولت متعاهد، از مالیات آن دولت دیگر معاف خواهد بود.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی:

۱- باتوجه به مقررات بند (۲) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای خدمات گذشته، فقط مشمول مالیات آن دولت می‌باشد. این مقررات برای مستمری‌های سالانه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد نیز به کار می‌رود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، مقرری‌های بازنشستگی و سایر پرداختهای به موجب قانون تأمین اجتماعی یا قانون استخدام کشوری یک دولت متعاهد فقط می‌تواند مشمول مالیات آن دولت باشد.

ماده ۱۹ - خدمات دولتی:

۱- حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه (به غیر از حقوق بازنشستگی)، پرداختی توسط، یا از محل صندوق ایجاد شده توسط یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن، به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی، فقط مشمول مالیات آن دولت انجام خواهد بود.

مع ذلک، این حق‌الزحمه‌ها در صورتی فقط مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر

تعلات

خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولتی باشد که:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا
- فقط به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.
- ۲- مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) در مورد حقوق و مقرری‌های بازنشستگی مربوط به خدمات انجام شده بابت فعالیت‌های تجاری انجام شده توسط یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن جاری خواهد بود.

ماده ۲۰ - مدرسان و محصلان:

- ۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداختهای مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.
 - ۲- همچنین، حق الزحمه‌ای که مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد و منظور اولیه، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند باشد، از مالیات آن دولت دیگر برحق الزحمه، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.
- این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص بخصوصی انجام می‌شود جاری نخواهد بود.

ماده ۲۱ - سایر درآمدها:

- ۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که صریحاً در مواد قبلی این موافقتنامه مورد

تعلیقات

حکم قرار نگرفته است فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود مگر آنکه این گونه اقلام درآمد از منابعی در دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند. چنانچه این اقلام درآمد از منابع دولت دیگر حاصل شده باشند، در این صورت می توانند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشوند.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی نماید یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است به طور مؤثری با این مقر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این صورت مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۴)، حسب مورد جاری خواهد بود.

ماده ۲۲ - روش حذف مالیات مضاعف:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل می کند که، طبق مقررات این موافقتنامه، می تواند مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت مقدم الذکر اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بردرآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بردرآمد آن مقیم کسر شود.

مع ذلک، در هر مورد این گونه تخفیفات، از آن قسمت از مالیات بردرآمد مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف، که حسب مورد مربوط به درآمدی باشد که می تواند در آن دولت دیگر، مشمول مالیات شود، بیشتر نخواهد بود.

۲- چنانچه طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصله توسط مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، مع هذا این دولت می تواند در محاسبه مبلغ مالیات برباقیمانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

تعالیه

ماده ۲۳ - عدم تبعیض:

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگینتر از مالیات و الزامات مربوطی که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱۹)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیات مقرر دایمی که مؤسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد، در آن دولت دیگر با مطلوبیت کمتری از مالیات مؤسسات تجاری آن دولت متعاهد دیگری که همان فعالیتها را انجام می دهند، وصول نخواهد شد.

۳- این مقررات به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیفات مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسؤولیتهای خانوادگی به مقیمان خود اعطا می نماید به مقیمان دولت متعاهد دیگر نیز اعطا کند.

ماده ۲۴ - آئین توافق دوجانبه:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد ملاحظه کند که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، صرف نظر از تدابیر پیش بینی شده در قوانین ملی آن دولتها، می تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعهده که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مطابق بند (۱) ماده (۲۳) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعهده که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد می باید ظرف دو سال از اولین اخطار اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی شده که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، تسلیم شود.

تعالیه

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند شخصاً به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دوجانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی باشد، مورد را فیصله دهد. توافق حاصله علی رغم هر محدودیت زمانی موجود در قوانین داخلی دولتهای متعاهد اجرا خواهد شد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد برای حل هرگونه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دوجانبه کوشش خواهند کرد و نیز می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند. مقامهای صلاحیتدار، به طریق مشاوره، از آئین ها، شرایط، روش ها و فنون دوجانبه مقتضی برای اجرای آئین دو جانبه پیش بینی شده در این ماده استفاده خواهند نمود.

ماده ۲۵ - تبادل اطلاعات:

۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاهد اطلاعاتی را که برای اجرای مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاهد را که به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه مربوط می باشد تا جایی که وضع مالیات به موجب آن مغایر با این موافقتنامه نباشد مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاهد دریافت می شود به همان شیوه ای که اطلاعات مکتسبه طبق قوانین آن دولت سری می باشد، سری خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامها از جمله دادگاهها و تشکیلات اداری مرتبط با تشخیص، یا وصول، اجرا یا پیگیری، یا تصمیم گیری در مورد پژوهش خواهی های مربوط به مالیات هایی که مشمول این

تبادل

موافقتنامه می‌باشند، افشا خواهد شد. این اشخاص یا مقام‌ها، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های دادگاه‌های عمومی یا تصمیمات قضائی فاش سازند. مقامهای صلاحیتدار از طریق مشاوره شرایط، روشها و فنون مقتضی مربوط به موضوعاتی را که چنین تبادل اطلاعاتی در مورد آنها اجرا خواهد شد از جمله در صورت اقتضا، تبادل اطلاعات درخصوص اجتناب از مالیات مضاعف را توسعه خواهند داد.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را

و ادا سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و عرف اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ

نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا رویه اداری متعارف خود یا دولت

متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی،

صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرایند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن خلاف سیاست

(نظم) عمومی باشد.

ماده ۲۶ - اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی:

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت‌های نمایندگی و مأموریت‌های

سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات

موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۷ - لازم الاجراء شدن:

۱- این موافقتنامه در هریک از دولتهای متعاقد تصویب خواهد شد و اسناد تصویب

تعلیه

آن در اسرع وقت مبادله خواهد شد.

۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، لازم الاجراء و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد شد:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اولین روز ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، حاصل می شود.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد، به آن گونه از مالیاتهای متعلقه به هر دوره مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اولین روز ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، شروع می شود.

۳- با لازم الاجرا شدن این موافقتنامه مقررات موافقتنامه های قبلی بین دولت های متعاقد در مورد کشتیرانی و هواپیمائی در ارتباط با اجتناب از اخذ مالیات مضاعف ملغی خواهد شد.

ماده ۲۸ - فسخ :

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ شود، لازم الاجرا خواهد بود. هر یک از دولتهای متعاقد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجاه ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

الف - نسبت به مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از یازدهم دی ماه برابر با اولین روز ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می شود.

ب - نسبت به سایر مالیاتهای بردرآمد به آن گونه مالیاتهای متعلقه به هر دوره مالیاتی

تعیین

که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اولین روز ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می شود.
این موافقتنامه در اسلام آباد در دو نسخه در تاریخ ۱۳۷۸/۳/۶ هجری شمسی برابر با ۱۹۹۹/۵/۲۷ میلادی به زبانهای فارسی و انگلیسی تنظیم گردید که هر دو متن از اعتبار یکسان برخوردار است.
امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود مجاز می باشند این موافقتنامه را امضاء نمودند.

از طرف دولت
جمهوری اسلامی پاکستان

از طرف دولت
جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و بیست و هشت ماده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ سوم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.

مهدی کروبی
رئیس مجلس شورای اسلامی